

لزوم حبس زدایی با نگاهی به آثار و تبعات زیان بار حبس بر زندانیان و جامعه

تهیه و نگارش: عباس اکبری بوانی

دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق جزا- علوم و تحقیقات خوزستان

مقام معظم رهبری: «باید تا آنجا که ممکن است مجازات زندان به حداقل برسد، زیرا زندان یک پدیده نامطلوب است و تبعات گسترده ای برای زندانیان، خانواده های آنان و حتی محیط کار افراد دارد.»
دیدار با مسئولان قوه قضاییه / هفتم تیرماه ۱۳۹۱.

چکیده:

با نگاهی به تاریخچه بوجود آمدن مجازات حبس و موارد بکارگیری آن به وضوح می توان دریافت که حبس از آن دسته مجازات هایی است که از قدیم الایام تا به امروز به شکل های مختلفی اجرا می شود که در این سیر علی رغم توسعه موارد بکارگیری آن شاهد تغییرات و تحولاتی در اوضاع و شرایط استفاده از آن در کشورهای مختلف دنیا هستیم.

امروزه پژوهشگران و علمای حقوق، جامعه شناسی و جرم شناسی با قطعیت تمام از دستاوردهای علمی و میدانی خود و مشاهده اثرات و پیامدهای سوء و آسیب های اجتماعی بعضاً غیرقابل جبران معتقدند که نقش اصلاحی زندانها بدلیل آثار سوء آن به حاشیه رانده شده است و دیگر حبس را بعنوان مجازاتی با هدف اصلاح، بازپروری و توانمندسازی فرد مجرم و خطاکار برای بازگشت به اجتماع و ادامه زندگی بعنوان فرد عادی ابزار مناسبی نمی دانند و بشدت برای کاهش تبعات منفی حبس بر ضرورت بکارگیری مجازاتهای جایگزین حبس تأکید دارند و جایگزین های حبس را برای نیل به اهداف اصل مجازات مجرمان و کاهش چشمگیر تبعات زیانبار آن بسیار مناسب می دانند.

کلید واژگان: حبس زدایی - آثار و تبعات حبس - مجازات های جایگزین حبس

لزوم حبس زدایی با نگاهی به آثار و تبعات منفی حبس بر زندانیان و جامعه

امروزه به مدد پیشرفت علوم در تمامی رشته ها و کسب نتایج مطلوب در کلیه عرصه ها برای نیل به اهداف موردنظر در هر زمینه ای، دست اندرکاران با بهره گیری از دستاوردهای آن علوم براحتی و با اطمینان بیشتری به مطالعه و بررسی های خود در موضوعات مختلف می پردازند. یکی از این علوم که نقش بسیار مهمی در تکوین سیر قضایی و امنیت و عدالت ملل و اقوام مختلف داشته است علم حقوق است که با پیشرفت های علمی در شاخه های مختلف خود به مآخذی برای دستیابی به اصول مهم و ارزش عدالت و امنیت تبدیل شده است و بر مبنای همین علم زیربنای قانونی و اساسی حقوق ملت ها پایه ریزی می گردد و در سایه آن جوامع به رشد و توسعه خود با فراغت خاطر ادامه می دهند، لذا کوچکترین خدشه ای بر این حقوق، بدیهی ترین و اساسی ترین حقوق افراد را با تهدید روبرو می کند.

یکی از ابتدایی ترین و بااهمیت ترین این حقوق، حق آزادی افراد است که از جمله مصادیق آن در کشورمان آزادی های فصل سوم قانون اساسی و آزادی رفت و آمد، آزادی بیان، آزادی اجتماعات و آزادی مطبوعات و ... است که در قوانین کلیه کشورها اعم از قوانین عادی و اساسی آنها سعی شده است تا قانون نویسی در این زمینه به نحوی باشد که این هدف مهم - آزادی های افراد- را تأمین کند.

از سوی دیگر نظر به اهمیت بالای این حقوق در قانونگذاری ها و هنجارسازی های بین المللی اعم از کنوانسیون ها و میثاق نامه های حقوقی نظیر اعلامیه حقوق بشر و میثاق نامه بین المللی حقوق مدنی و سیاسی و ... که به امضای بسیاری از کشورها رسیده است و همگی بر تلاش برای تحقق آنها متعهد و ملزم می گردند، به وضوح در اولین مواد قانونی به چشم می آیند. لذا ناگفته پیداست که پایبندی و تعهد در برابر تأمین این حقوق از اولی ترین و اساسی ترین وظایف حاکمان دول مختلف است و به عنوان مبنایی ترین و بدیهی ترین حقوق افراد ملت ها، رنگ، نژاد، زبان و مذهب کوچکترین راهی برای تبدیل و تغییر آنها ندارد چرا که از ابتدایی ترین حقوق مشترک تمامی انسان های جهان است و احترام به این حقوق افراد، احترام به قانون مشترک ملت هاست.

بنابراین در این راه به منظور تأمین و پاسداشت این حقوق باید قوانینی که در مقابل آنها و به نحوی تهدید کننده این حقوق هستند اصلاح و بازنگری گردند و در قانون نویسی ها دقت لازم را مبذول داشت تا مبادا قوانین در تعارض با آنها به تصویب برسد. در عمل با نگاهی ژرف به قوانین ملت ها و کشورهای مختلف علی رغم تأکیدات فراوان در قوانین داخلی و بین المللی باز هم بنا به دلایلی از جمله ضرورت برخوردهای مسکن وار برای تأمین سایر اهداف، قوانینی به تصویب رسیده است که در مقابل حق آزادی افراد است و گاهاً مشاهده گردیده است که پیامدهای ناگواری بدنبال داشته اند که در برخی موارد غیرقابل جبران به نظر می رسد.

از جمله این قوانین می توان به قوانین مربوط به مجازات حبس اشاره کرد که علی رغم فقدان دیرینه تاریخی در این حد گسترده و فقط محدود بودن آن به جرایمی انگشت شمار، امروزه شاهد بسط و توسعه آن در شمار اصلی ترین مجازات های برشمارده در قوانین کشورهای مختلف هستیم که این خود تهدیدی بزرگ در مسیر تأمین آزادی های افراد است.

خوشبختانه باید متذکر شد که کشورهای بسیاری با دوراندیشی و تدابیری خردمندانه با در نظر گرفتن معضلات و پیامدهای ناگوار مجازات حبس به اصلاح و محدود کردن آن پرداخته اند و با سر و سامان دادن به قوانین و نظام قضایی خود گام های بلندی در این راستا برداشته اند که به عنوان نمونه مناسبی می توان به کشور فرانسه اشاره کرد که با قانون نویسی علمی و قرار دادن اهرم های شدید نظارتی از موارد مجازات حبس و بکارگیری آن به نحو چشمگیری کاسته است.

اما با نگاهی به وضعیت موجود در کشورمان خواهیم دریافت که در حال حاضر شاهد افزایش غیراصولی و غیرمنطقی جمعیت کیفری زندانها هستیم و با تورم کیفری نامعقول و در عین حال قابل تأمل مواجه هستیم. در همین رابطه برای درک بهتر از موقعیت کنونی و تأکیدی دو چندان بر لزوم حبس زدایی به گفته های ریاست محترم سازمان زندانها اشاره ای می کنیم، که ایشان به ارائه آماری پرداختند که بیانگر وضعیت هشدار دهنده و لزوم تسریع هر چه بیشتر در قضای زدایی از سیستم قضایی کشورمان است.

ایشان اظهار داشتند که آمار جمعیت زندانیان ما سه برابر ظرفیت زندانهاست و در حال حاضر ۲۵۰۰۰۰ نفر زندانی داریم در حالیکه ظرفیت زندانهای کشور ۸۰۰۰۰ نفر است. لذا حال برای عملی ساختن تأکیدات و اقدامات مورد نیاز در جهت حبس زدایی با توجه به این حجم افسار گسیخته جمعیت کیفری باید اندیشید که آیا با اعمال مجازات حبس موفق به اصلاح و تربیت مجرمان که از رسالتهای خطیر قوه قضائیه و سازمان زندانهاست گشته ایم یا خیر؟ که برای پاسخ توجه شما را به نتایج یک پژوهش میدانی در سایر کشورها جلب می کنم و سپس با نتایج بدست آمده در کشورمان مقایسه خواهیم کرد.

در کشور کره جنوبی ۲۵ درصد کسانی که در زندان هستند پس از آزادی دوباره به آنجا باز می گردند، در اسپانیا ۳۰ درصد کسانی که زندان بوده اند مرتکب تکرار جرم شده و دوباره به آنجا بازگشته اند و در اکثر ایالت های آمریکا حدود ۳۰ تا ۳۵ درصد زندانیان مرتکب تکرار جرم می شوند و به زندان باز می گردند. این پژوهش ها با نتایج بدست آمده در کشورمان مطابقت و همخوانی بسیاری دارد. چرا که تحقیقات نشان می دهد که میزان تکرار جرم در مورد مجرمانی که به مجازات حبس محکوم می شوند بسیار بیشتر از سایر مجرمان است که در مقایسه آمارهای فوق در تحقیقات بعمل آمده این نکته به خوبی ملاحظه می شود که محیط کیفری جرم زاست و نه تنها نقش اصلاحی و تربیتی ندارد بلکه معضلات و آسیب های جدی ای را بدنبال دارد.

حال برای بررسی علل یک چنین دستاوردهای منفی در پی مجازات حبس باید چند مهم را بررسی کرد. اولاً قوانین که در حال حاضر با بررسی های بعمل آمده از سوی مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی ۱۲۰۰ تا ۱۶۰۰ عنوان مجرمانه در قوانین و مقررات کشورمان داریم که یک چنین حجمی از جرم انگاری خود جای تأمل فراوان دارد و از سوی دیگر اقدامات مفید و سازنده را برای کاهش مجازات حبس تحت تأثیر قرار می دهد.

ثانیاً تبدیل شدن توسط قضات به حبس به عنوان رویه ای بعضاً سلیقه ای با این تفکر که حبس بهتر حقوق بزه دیده و جامعه را تأمین می کند و برای این منظور به استدلال های مختلف دیگری چون دسترسی سریع و آسان و جلوگیری از فرار و تبانی متهم و ... تمسک می جویند. در حالیکه ساز و کارهای مطلوب دیگری به همین جهات در قانون پیش بینی گردیده است.

در این زمینه ها امروز با تلاش و جدید محققان و علماء و نمایندگان ملت و مسئولان نظام شاهد اقدامات مناسب و عملی هستیم که به عنوان نمونه هر چند با تأخیر فراوان تهیه و تصویب لوایح قانون مجازات اسلامی و آیین دادرسی کیفری جدید تا حدودی تأمین کننده این هدف -رویکرد حبس زدایی و قضازدایی- به نظر می آید. اما در خصوص بکارگیری بیش از حد و غیرمنطقی حبس از سوی محاکم باید با اندیشیدن تدابیری مفید و عملی و با قرار دادن اهرم های شدید از بکارگیری مجازات حبس در موارد غیرضروری و یا مواردی که قابلیت استفاده از مجازات های جایگزین حبس در آنها وجود دارد جلوگیری بعمل آورد تا بدین وسیله از آثار و تبعات زیان بار حبس تا حد بسیاری کاست.

در پایان به برخی از آثار و تبعات زیانبار حبس اشاره می کنیم:

(۱) کاهش بازدارندگی و حالت اربابی مجازات حبس به دلیل استفاده زیاد در موارد غیرضروری و جرایم سبک و حتی غیرعمدی.

(۲) تحمیل هزینه های سرسام آور و گزاف نگهداری از زندانیان بر نهاد حکومتی و نهایتاً جامعه.

(۳) صدمات و آلام روحی برای فرد زندانی و خانواده وی در نتیجه جداسازی از هم و جامعه.

(۴) ایجاد پیشینه منفی در سوابق اجتماعی فرد و مانع شدن در بازگشت عادی فرد به اجتماع و عامه مردم.

(۵) کاهش اثرات تربیتی و بازپروری بدلیل افزایش بیش از حد و غیرمعقول جمعیت زندانیان.

(۶) ایجاد زمینه ای برای حرفه ای تر شدن فرد زندانی بدلیل اختلاط و مصاحبت با مرتکبین به جرایم گوناگون.

(۷) بازآموزی جرایم مختلف بدلیل عدم طبقه بندی مناسب ناشی از جمعیت بالای زندانیان و عدم فضای مناسب و کافی برای اسکان زندانیان.

(۸) تحمیل اثرات منفی و زیانبار بر خانواده و فرزندان محکوم و تخریب شأن و منزلت اجتماعی آنان.

۹) مسائل بهداشتی و بیماری های واگیردار و شیوع و گسترش آنها از قبیل ایدز، هپاتیت و سل و سایر بیماریهای عفونی.

۱۰) وقوع انحرافات و جرایم جنسی در میان زندانیان.

۱۱) خرید و فروش و استعمال مواد مخدر در زندان و بعضاً روی آوردن به اعتیاد در زندان.

۱۲) خارج شدن فرد زندانی از چرخه اقتصادی کشور و تبدیل شدن به مصرف کننده ای صرف در حبس.

۱۳) عدم جامعه پذیری بعد از آزادی از زندان بدلیل انس گرفتن با منطق زندان که محیطی غیراجتماعی است.

منابع:

۱- گزارش همایش بین المللی بررسی راه های جایگزین زندان- مجله حقوقی دادگستری- ش ۳۸ ص ۱۲۶.

۲- پورقهرمانی بابک- مجازات های جایگزین حبس-مجله دادگستر سال سوم- ش ۱۶.

۳- روزنامه کیهان. ۹۱/۴/۱۷ ش ۲۰۲۴۹- ص ۷.

۴- دباغی صدیقه (۲/ آذر / ۱۳۹۱)- لایحه مجازات های جایگزین زندان- آرشیو نشریه مأوی



-WWW.HAGHGOSTAR.IR

-پایگاه تخصصی نشر مقالات حقوقی

-WWW.HAGHGOSTAR.IR

-پایگاه تخصصی نشر مقالات حقوقی